

مروری بر ویژگی‌های موسیقی اصیل ایرانی

ای چنگ پرده‌های سپاهانم آرزوست وین نای ناله خوش سوزانم آرزوست
 در پرده حجاز بگو خوش ترانه‌ای من هدهدم صغیر سلیمانم آرزوست
 از پرده عراق به عشاق تحفه بر چون رست و بوسلیک خوش‌الحلم آرزوست
 آغاز کن حسینی زیرا که مایه گفت کان زیر خرد وزیر بزرگانم آرزوست
 در خواب کرده‌ای ز رهاوی مرا کنون بیدار کن به ز نگله‌ام گانم آرزوست
 این علم موسیقی بر من چون شهادتست چون مؤمنم، شهادت و ایمانم آرزوست
 مولانا جلال‌الدین رومی (مولوی)

تاریخ کهن تمدن ایران، بیانگر قدمت هنر و لطافت ذوق پارسیان به موسیقی است. آثار باستانی به جا مانده از جمله مجسمه‌ها و نقوش از هزاره‌های پیش از میلاد توجه فوق‌العاده ایرانیان را به موسیقی نشان می‌دهد. نقش مهری متعلق به سه هزار و چهار صد سال پیش در چغامیش خوزستان در جنوب غربی ایران نوازندگان را با سازهایی چون شیپور، و چنگ به همراه گروه خوانندگان نشان می‌دهد. تصاویر و نقوش متعددی از دورانه‌های پادشاهی ایران خصوصاً دوران اشکانی (۲۴۱ ق م تا ۲۶۶ م)

^۱ - مدیر مؤسسه آموزشی و پژوهشی موسیقی درمانی ایران.

و ساسانی (۲۴۴ ق م تا ۶۵۲ م) سازهایی شبیه به ربط، تنبور، ترنا و چنگ را نشان می‌دهد که نشان دهنده توسعه صنعت موسیقی در آن ایام است.

اوج توجه به موسیقی در دوره پادشاهی ساسانیان گزارش شده است که موسیقی‌دانان از طبقات محترم اجتماعی محسوب می‌شدند. در این دوره ارکسترهای مجلل و با شکوهی در توسعه تکنیک و نوازندگی و تنوع الحان و قطعات معالیت داشتند گوشه‌ها و قطعات متنوعی ساخته شد که نام برخی از آنان در ردیف فعلی موسیقی ایرانی ماندگار است از جمله برای هر روز سال نغمه‌ای سروده که دستان باربدی مصروف و برای هر ماه آهنگ خاصی تصنیف شده که به لحن (Lahn) مشهور بوده است.

شواهد نشان می‌دهد که در قرن چهارم میلادی موسیقی ایرانی دارای تقسیم‌بندی مشخصی بوده است نغماتی که پرده‌های یکسان و لحن مشابهی داشتند در گروه‌های مستقلی تحت عنوان «خسروانی» طبقه‌بندی شده بودند و به تفکیک هفت خسروانی وجود داشت که در دوران ایران اسلامی (پس از نفوذ اسلام در ایران) هفت خسروانی با توجه به ۱۲ ماه سال به دوازده مقام تبدیل شد. ب عبارت دیگر برای حالت و طالع هر ماه یک مقامی را تصور کردند.

پس از گسترش اسلام در ایران دانشمندانی چون محمد بن زکریای رازی، ابونصر فارابی، ابوالفرج اصفهانی، ابوعلی سینا، محمود شیرازی، یعقوب بن اسحاق و بسیاری دیگر کتب و رسالات ارزنده‌ای در زمینه موسیقی نوشتند که ترجمه بعضی از این کتب در مراکز علمی کشورهای مختلف عصر خود تدریس شده و منبع و مأخذ قرار می‌گرفته است.

ناگفته نماند که در دوران ایران اسلامی به دلیل بعضی از تعصبات مذهبی، توجه عمده پژوهشگران موسیقی به تئوری و جنبه‌های نظری موسیقی معطوف بوده و به مسایل چون صنعت موسیقی، نوازندگی و فعالیت‌های عملی توجه چندانی نشده است. چنانچه در عصر صفوی بسیاری از شعرا و موسیقی‌دانان ایرانی به کشورهای همجوار و از جمله کشور هند مهاجرت کردند و شعر و موسیقی را در آن جا توسعه بخشیدند.

موسیقی قدیم ایرانی، موسیقی «مقامی» بوده است که از دوازده مقام به نامهای عشاق، عراق، اصفهان، نوا، راست، بزرگ، زنگوله، رهاوی، حسینی، حجاز، بوسلیک و زیر افکن تشکیل شده بود این تقسیم‌بندی با تفکیک فعلی موسیقی ایرانی بسیار متفاوت است. در حال حاضر موسیقی ایرانی شامل مجموعه‌ای یکپارچه به نام «ردیف» است که از هفت دستگاه به نامهای شور، ماهور، چهارگاه، سه‌گاه، همایون، نوا و راست پنجگانه تشکیل شده است که حدوداً ۲۳۰ گوشه دارد هر دستگاه دارای فواصل خاص و حالت عاطفی مخصوص به خود است.

برای مثال، اگر ردیف موسیقی ایرانی را همچون درختی تناور تجسم کنم دستگاه‌ها و نغمه‌ها همچون شاخه‌ها و گوشه‌ها مانند برگهای آن است که هر برگ ضمن آن که ظاهری مستقل دارد متصل به شاخه و شاخه‌ها به ساقه و ریشه که همان خمیر مایه واصل ردیف است متصل می‌باشد و هویتی وحدت یافته، هماهنگ و یکپارچه به وجود آورد.

از ویژگیهای مهم موسیقی ایرانی وجود ربع پرده است که به رقت و
افت الحان کمک می‌کند در واقع به وسیله این فواصل کوچک
ساسات لطیف و درونگردی در خمیر باطن ممکن می‌گردد همان
بلبلیتی که در موسیقی هند به خوبی بارز است.

از خصایص دیگر موسیقی ایرانی گردشهای دانگی (tetrachord)
ست به عبارت دقیق‌تر گام در ردیف موسیقی ایرانی بر پایه دانگ است
بنی نغمه‌ها و ملودی‌ها در یک فاصله چهارم بسط و گسترش می‌یابد و
ودی‌ها و آهنگها بر محور چهار نت اصلی جریان می‌یابد چنانچه در
سبکی کلاسیک غرب محور گردشهای ملودیک بر اساس هفت نت
ست. این گردشهای کوتاه همانند شعر، نقاشی، معماری و صنایع ظریف
ایرانی در بستری از تقارنها، تفاوتها، تکرار و توازن در زیر و بمهای متنوع
ایرانی از کثرت به وحدت را القا می‌کند و به احساس عمق و یگانگی
بخشد و در نهایت احساس را از پراکنندگی دور و آرامش و وحدت
بخشد.

موسیقی ایرانی همانند شعر ایرانی حاوی مضامین عرفانی است.
ارفان و اندینمندان بزرگ به نیروی والایش‌گر این موسیقی اذعان
شوند و از نوای آن در شور و نشاط درونی و بسط الهام ذهنی بهره
ستهند از جمله این بزرگان حافظ و مولوی را می‌توان نام برد. آیا ضربه
نگ موسیقی در وجد و نشاط و حالت الهام فرومی‌روند در منوی
نوی و نیوان شمس ایات گوناگونی با ذکر نام گوشه‌های موسیقی

حرف هر خود تدریس شده و منع و مآخذ قرار می‌گرفته است.

ایرانی آورده شده است که سایر آشنایی این عارف بزرگ به دقایق موسیقی و الحان آن است.

میان مایه‌های موسیقی ملل هند، ایران، ترک و عرب وجوه اشتراکی موجود است که ناشی از تأثیر متقابل فرهنگ میان آنها در هنگام سلطه امپراطوریهای بزرگ بوده است کشور هند در دوران سلطنت پادشاهان مغول با شعر و موسیقی پارسی آشنا شده و بعضی از اجزا مناسب این فرهنگ وارداتی را جذب کرده است و در ارتقای شعر و موسیقی خود از آن بهره جسته است. تأثیر مسلمانان ترک‌نژاد که خود متأثر از شعر و موسیقی ایران فارسی بودند از جمله تأسیس سلسله خلجی (۱۳۱۶-۱۲۹۰) و در سلطان بزرگ آن علاءالدین خلجی (۱۳۱۶-۱۲۹۶) و محمد بن تغلق (۱۳۵۱-۱۳۲۵)، نقطه عطفی در تحول تاریخ توسعه فرهنگی، اجتماعی و هنری هند به شمار می‌رود. در زمان این سلاطین امیر خسرو دهلوی (۱۳۲۵-۱۲۵۳) پا به عرصه ظهور گذاشت این نابغه موسیقی‌دان با حمایت پادشاه متوالی عصر خود سبک موسیقی قوالی، سبک غزل و ترانه، هدری، بداهه‌نوازی را در موسیقی شمال هند ابداع کرد و با هدف ایجاد وحدت میان اقوام ترک، ایرانی و هندی ساز سیتار - سارود، سارنگی و ستور هندی را ایجاد و در مواردی توسعه داد. با این سازها می‌توان حالات گوناگونی از موسیقی ترک، عرب و فارسی را ایجاد و القا کرد.

موسیقی‌دان بزرگ ایران شادروان خالقی (۱۳۴۴-۱۲۸۵) ۴۰ سال پیش طی مأموریت‌هایی به هند داشته در مورد حدیقه ایرانیه یادداشتهای فراوانی می‌گذاشته.

در حال حاضر لغات موسیقایی مشترکی بین موسیقی هند و ایران
 وجود دارد که در فرهنگ لغات غیاث‌اللغات و جهانگیری به آنها اشاره
 شده است. همچنین چند گوشه در ردیف موسیقی ایرانی به نامهای راگ
 دی راگ کشمیر و سفیر راگ در دستگاه ماهور متأثر از موسیقی هند
 شده و بر این منبأ به این نام نامیده شده است و شباهت ساختمانی و
 اختار فیزیکی سازهای ایرانی و هندی نیز جای تحقیق و تعمق بسیار
 دارد.

بعضی از راگهای هندی با دستگاههای موسیقی ایرانی از لحاظ لحن و
 اساس کاملاً مشترک هستند به راحتی حالات دستگاههای چهارگاه،
 مابون، سه‌گاه، ماهور و شور را در میان نغمه‌های راگهای هندی می‌توان
 تشخیص داد و وجوه مشترکی پیدا کرد.

نگارنده در فرصتی دیگر نتیجه مطالعات خود را در خصوص اشتراک
 حالات مایه‌های موسیقی ایرانی و راگهای هند ارائه خواهم کرد.

 ژانر جامع علوم انسانی